

عنوان مقاله:

نص، معنا و روابط بین الملل

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره 12، شماره 29 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

غلامرضا خواجه سروری - استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

ابوذر فتاحی زاده - دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران

عباس فرهادی - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

عقلانیت مدرن بر این مفروض کفار است که عقل انسان لا مکان خلا زمان بود و ماهیتی استعلایی و جهان شمول دارد. استمرار معنای لوگوس یونانیان قدیم در گرایشات عقل گرایی مدرن سبب این جهت گیری در اندیشه ورزی غرب و ده است. شالوده شکنی این بنیاد در تدوین توسط جریانات فکری جدیدی در خط شده است که دیگر عقل یکتای یگانه محلی از اعراب نداشته و این اجماع نسبی فراهم آید که بایست از عقلانیت حیاط کرد. یکی از وجوه واسازی یادشده به این استدلال سیر می کند که عقل یکی از توانایی های ذهنی بشر است که محیط کار تعیین می بخشد و از این سبب، عقل ماهیتی زمینه مند contextual می یابد. این استدلال به صورت ضمنی به این معناست که می توان با جایگزین ساختن یک عقلانیت بومی حاکم در یک جغرافیای زیستی خواست به جای عقلانیت بنیادی یک دانش غیربومی، به بومی سازی آن دانش کمی همت بست نوبت به پیروی از این منطق، نوشته حاضر در پی امکان تجزیه روابط بین الملل بومی است و این پرسش را دغدغه خویش قرار داده است که آیا می توان دانش روابط بین الملل بومی و اسلامی داشت نگارنده در این فرضیه را در ذهن می پروراند که می توان با قراردادن عقلانیت نص نسبت در جایگاه عقلانیت لوگوس وی در دانش روابط بین الملل غربی، تصویری متکی بر کتاب و سنت از این دانش داشت که متناسب با جغرافیای زیستی جهان اسلام باشد.

کلمات کلیدی:

نص، معنا، روابط بین الملل، لوگوس، عقلانیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/706538>

